نمیرم از این پس که من زنده‌ام

پیام‌های اهالی فرهنگ به مناسبت سالروز پایان سرایش شاهنامه

سرایش مهم‌ترین شاهکار فرهنگ ملی ایرانیان و یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای حماسی جهان، شاهنامه فردوسی، در روز ۲۵ اسفند سال ۳۸۸ هجری خورشیدی به انجام رسید. این درواقع تاریخ پایان یافتن ویرایش دوم حکیم ابوالقاسم فردوسی از کتاب ماندگار خود است. به مناسبت سالروز پایان سرایش شاهنامه، برخی بزرگان فرهنگ و ادب پیام‌هایی صادر کرده‌اند که بنیاد فردوسی شاخه توس آن را در کانال تلگرامی خود منتشر کرده است. در ادامه گزیده‌ای از این پیام‌ها را بخوانید.

بازتاب

● **پدر آثار ادبی فارسی**

دکتر جلال خالقی مطلق در پیامش برای بنیاد فردوسی، شاهنامه را «پدر آثار ادبی فارسی» خوانده است. صاحب مطرح‌ترین تصحیح از شاهنامه فردوسی در ادامه افزوده است: «ما تقریباً کمتر اثری، بعد از فردوسی را می‌توانیم پیدا کنیم که از شاهنامه تأثیر نپذیرفته باشد. پایان سرایش چنین کتاب بی‌نظیر را بر همه‌اندر آرامی می‌داریم.»

● **شاهنامه همچون کوه و کانی**

پروفسور ناصر کنعانی، فیزیکدان برجسته و استاد دانشگاه فنی برلین، با به کار بردن تعبیر «شاهنامه همانند کوه و کانی» درباره این کتاب نوشته است: «بلند و استوار هزاران گهر و نگین گران‌بها با رنگ‌های گوناگون و دل‌انگیز در دل خود نهفته دارد. هر یک از این گهرها و نگین‌ها نشانی از دانش‌ها، پند و اندرزها، فرزانگی‌ها و افسون و افسانه‌هایی هستند که سروشت و فرجام آدمی‌ها را برای ما به نمایش در می‌آورند. اگرچه تاکنون بسیاری از این گهرها و نگین‌ها به دست توانای فرزانگان ایرانی و انیرانی از دل شاهنامه، این شاهکار جاودانی، بیرون کشیده و در برابر دیدگان ما به تماشا گذاشته شده‌اند تا به سنجش آن‌ها پرداخته و آموزه‌ها از آن‌ها فراگیریم. لیک بدانیم که این کوه سرشار از سنگ‌های ارزشمند هنوز هزاران گهر و نگین دیگر در سینه خود پنهان دارد که می‌بایست در آینده‌ای نه چندان دور به یاری فرزانگانی نو ناوه گونه‌ای شایسته‌تر و بایسته‌تر به بینش مردمان و به‌ویژه جوانان ما برسند. باشد که آرزوی آشکار ساختن هر چه بیشتر رازهای نهانی این نامه بزرگ و شگرف هر چه زودتر به‌دست آیندگان بازپور کار آمیخته شود.»

● **کتاب اندیشه بهروزی بشر**

در پیام دکتر قمعلی سرامی، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر مطبع ادبیات هم آمده است: «پایان سرایش شاهنامه درست است که در ظاهر روز اردا از استفنماهای سال از سال‌های پایانی قرن چهارم بوده است اما من معتقدم که شاهنامه تمام نشده است. شاهنامه وقتی تمام می‌شود که به عرض پشرت رسیده باشد. از سوی انسان‌های آگاه نوشیده شده باشد. شاهنامه در بردارنده اندیشه بهروزی بشر است و همه ما باید به رشد انسان خدمت کنیم.»

● **افاز روزگاری شورانگیز**

دکتر میرجلال‌الدین کزازی، استاد دانشگاه و چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران با اشاره به باوری باستانی مبنی بر اینکه «نیروهایی شگرف و نهان در روندهای زندگانی ما و به همان‌سان در کار و سازهای کلان جهان هستی در کارند و ما به شیوه‌ای را از آنود و گاه خرد ناشود نشانه‌های این نیروها را می‌توانیم دید و دریافت»، بر سنبی را مطرح و در آن درنگ کرده است: «چرا سرودن شاهنامه در روز ارد از ماه سپندارمذ به‌انسفند به پایان رسیده است، در ماه و فجامین سال خورشیدی ایرانی که ماه بر گذاشت زن است و زمین، یا با نگاهی فراخ‌تر و فراگیرتر روز بزرگ داشت هر آنچه در جهان هست، از آغاز تا پایان، از چین آغاز گرد خویش سده‌ها و هزاره‌ها و از آزمون‌های درونی و نیروهای نهانی ماست و تنها آن را در می‌یابیم و در خویش می‌آزماییم و از چندوچونش به روشنی آگاهی نداریم. از دیگر روی و سوی روز اردِ نیز روز راستی است یا به سخنی باریک‌تر و سنجیده‌تر: روز سازوسامان کیهانی است و روزی است که ایرانیان در آن جنبش جاودان و پویه پایدار جهان هستی را به سوی آرمان و آماجش که آشا و راستی است بزرگ می‌دارند، نیرویی بهمگین و سترگ نیز که این پویه و جنبش به یاری آن انجام می‌پذیرد نیروی عشق است و باور. مگر نه این است که شاهنامه برترین و به‌این‌ترین نشان و نماد پایان روزگاری است نازش‌خیزد در تاریخ و فرهنگ و چستی ایرانی و آغاز روزگاری دیگر شورانگیز در آن؟ مگر نه این است که دلیل شاهکار بودن و جاودن بی‌مانند زاده و فرادامه مهری مهیبنه است و بنیادین و باوری بهینه و پولادین به ایران و جاودانگی آن و نمونه‌ای ناب و در گونه خود بی همتا و همال از پویه جهان به سوی آشا. این روز بزرگ جان افروز بر ایرانیان به‌ویژه آن بیدارلدان روشن‌رأی که رامی‌به جهان شاهنامه که مگر جهان ایرانی نیست گشوده‌اند فرخنده باد!»

● **نام فردوسی مرادف نام ایران**

دکتر محمد بقایی ماکان، نویسنده ایرانی دارنده عالی‌ترین نشان فرهنگی پاکستان، هم نوشته داده است: «شاهنامه، بنا به نوشته بزرگان ایرانی و انیرانی از دل شاهنامه، این شاهکار جاودانی، بیرون کشیده و در برابر دیدگان ما به تماشا گذاشته شده‌اند تا به سنجش آن‌ها پرداخته و آموزه‌ها از آن‌ها فراگیریم. لیک بدانیم که این کوه سرشار از سنگ‌های ارزشمند هنوز هزاران گهر و نگین دیگر در سینه خود پنهان دارد که می‌بایست در آینده‌ای نه‌چندان دور به یاری فرزانگانی نو ناوه گونه‌ای شایسته‌تر و بایسته‌تر به بینش مردمان و به‌ویژه جوانان ما برسند. باشد که آرزوی آشکار ساختن هر چه بیشتر رازهای نهانی این نامه بزرگ و شگرف هر چه زودتر به‌دست آیندگان بازپور کار آمیخته شود.»

دکتر عباس خیرآبادی، عضو بنیاد فردوسی شاخه توس:
این کتاب که شاهنامه می‌نامیمش ۱۰۰۰ سال است که سند هویت و قومیت و ملیت ما در برابر همه جهان انیرانی است و ما همه این سال‌ها در پناه این اثر بی‌نظیر از همه گرداب‌های هایل گذشته‌ایم و برتارک فرهنگ جهان ایستاده‌ایم.

زندگی خوشبختی را به ما بدهکار نیست

گزارشی از نشست نقد و بررسی «جست‌وجوی خوشبختی: از ارسطو تا علم مغز» در پردیس کتاب

گزارش

غلامرضا زوزنی| «آیا فضیلت تنها چیزی است که برای خوشبختی جاودانه لازم داریم؟ آیا فضیلت تنها شرط برای خوشبختی جاودانه است؟ و...» خانم «سیملا باک»، فیلسوف اخلاق آمریکایی سوئدی تبار، در کتاب «جست‌وجوی خوشبختی: از ارسطو تا علم مغز» می‌کوشد به پرسش هایی از این جنس پاسخ بدهد. این کتاب یکی از مجموعه آثار خواندنی ای است که انتشارات خوش‌نام «تشرنو» منتشر کرده است تا مفاهیم جدی وسنگین علوم انسانی را به زبانی همه‌فهم به مخاطبان خود منتقل سازد. روز گذشته نیز با همکاری این مؤسسه و پردیس کتاب مشهد نشستی با محوریت تحلیل کتاب یادشده در پردیس کتاب برگزار شد. این برنامه بیست و ششمین جلسه نقد و بررسی «جمعه های پردیس کتاب» بود که با حضور و سخنرانی افشین خاکباز، مترجم کتاب، علی کاظمیان، منتقد، و زینب پزشکیان، دبیر نشست، همراه بود. بر آیندی از سخنان مطرح شده در این نشست درادامه می‌آید.

زینب پزشکیان، دبیر نشست: نخستین منبعی که نویسنده «در جست‌وجوی خوشبختی؛ از ارسطو تا علم مغز» برای نوشتن کتابش به سراغ آن می‌رود، زندگی انسان و شانس هایی است که او آورده تا به هستی بگذارد. او از مخاطب می‌خواهد دوره یا لحظه‌ای را که احساس خوشبختی می‌کند با حقیقت زندگی خود مقایسه کند؛ این مقایسه میزان خوشبختی و فضیلت را برای خواننده روشن می‌کند. در بخشی از کتاب، نویسنده به سراغ دسته دوم منابع می‌رود که به تعاریف کلی از عنوان خوشبختی می‌پردازد. خود او از عبارت «تعاریف ناسازگار» استفاده می‌کند. تعاریف فیلسوفان، اندیشمندان و نظریه پردازان را در کنار یکدیگر مطرح می‌کند و نشان می‌دهد چقدر این تعاریف با هم ناسازگار و متعارض هستند. بعد از این ما را با این مسئله روبه‌رو می‌کند که آیا بررسی خوشبختی کاری بیهوده است یا نه. در پاسخ به این پرسش می‌گوید بررسی این تعاریف بیهوده نیستند و حتی مفیدند، چرا که خوشبختی یک امر لایه لایه و چندوجهی است. هریک از این تعاریف ذهن ما را با بخشی از مفهوم خوشبختی آشنا می‌کند. روش نویسنده این است که تعاریف ناسازگار را در کنار یکدیگر بروز می‌دهد تا کاستی‌ها و کمبودها در کنار یکدیگر بروز کنند و از این طریق به ذهنیتی نقاد در باب مفهوم خوشبختی دست پیدا کنیم.

سیملا باک (نویسنده کتاب) به سراغ یافته‌های علمی می‌رود و دستاورد های علوم مختلف از علم محض تا علوم اجتماعی را در رابطه مفهوم خوشبختی بررسی می‌کند. این یافته‌ها هیبتی بر پیمایش‌های بسیار بزرگ و جوامع آماری بسیار گسترده در سراسر جهان هستند! اما نتیجه‌ای که نویسنده از بررسی های خود می‌گیرد از این نتیجه است که این تحقیقات هم با چالش‌های جدی روبه‌رو است. سنجه‌هایی که انتخاب شده متفاوت هستند و بسته به گروه‌های مورد مطالعه، پاسخ‌ها هم متفاوت‌اند. فضین اینکه پاسخ به سؤال های مختلف در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و نمی‌توان آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد. چالش بعدی پیچیدگی روابط علی معلولی است که بین تحقیق‌ها وجود دارد؛ برای مثال در تحقیق‌ها سنجیدند آیا خوشبختی با سلامت نسبت دارد یا نه. این همبستگی مثبت بین خوشبختی و سلامت اثبات شده است اما رابطه علی معلولی این ۲ برای ما مشخص نیست. اینکه کدام علت و کدام معلول است. درباره عواملی مانند ژنتیک و رفاه اقتصادی و اجتماعی تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است. اما تحقیقات دیگری این تحقیقات را نقض می‌کند؛ مثلا تحقیقاتی که از سوی مجامع جهانی صورت گرفته است نشان می‌دهد بیشتر مردم در سراسر جهان تقریبا با کاملا احساس خوشبختی می‌کنند. حتی در زاغه‌های کلکته پیمایشی صورت گرفته و از آن ها خواسته شده برای احساس خوشبختی خود از یک تا ۱۰ نمره بدهند. بر اساس یافته‌های علم ژنتیک و علم اقتصاد به نظر می‌رسیده که سطح خوشبختی و نمره‌ای که این افراد به میزان خوشبختی خود می‌دهند عددی کمتر از ۲ باشد. شگفت آور است که بیشتر این زاغه نشین ها برای میزان خوشبختی خود عددی میان ۷ تا ۸ را انتخاب کرده‌اند.

نویسنده بعد از بررسی این یافته‌ها و تحقیقات و چالش هایی که پیش روی این پژوهش ها وجود دارد، نتیجه می‌گیرد این پیمایش‌ها و پژوهش‌ها... با اینکه نتایج ناسازگار با هم دارند و ما را به تعریف واحدی از خوشبختی نمی‌رسانند، برای ما قطعا مشخص می‌کنند هیچ عامل و مجموع عواملی واقعا برای احساس خوشبختی ضروری نیست. نمونه‌های بسیاری از افراد یافت می‌شوند که در شرایطی که نباید احساس خوشبختی کنند، این احساس را دارند. درواقع معرفی عامل برای احساس خوشبختی به دلیل پیچیدگی انسان ها و تجربه پیچیده زندگی کاری بیهوده است؛ در نتیجه امکان ارائه تعریف جامع و مانع از معنای خوشبختی وجود ندارد.

افشین خاکباز، مترجم کتاب: در فصل اول این کتاب نویسنده از شناس حرف می‌زند و زندگی همه ما را به نوعی یک شانس می‌داند که به مویی بند است. سیملا باک به داستان زندگی خودش اشاره می‌کند و اینکه پزشک ها به مادرش اجازه نداده بودند که با دردار شود ولی مادر سیملا به این دلیل که می‌خواسته برای فرزند اولش یک خواهر یا برادر بیاورد تن به این بارداری می‌دهد. باک می‌گوید احتمال اینکه یک زن این خطر را به جان بخرد خیلی ضعیف است اما اگر مادر من این تصمیم را نگرفته بود، من الان نبودم که بخواهم کتابی درباره خوشبختی بنویسم.

نویسنده کتاب به همین دلیل زندگی آدم را موهبت می‌داند و احتمالات این را که یک انسان فرصت زندگی کردن نیابد مطرح می‌کند و این را که ما فرصت زندگی در کره خاکی را یافته‌ایم چوشختی ندارد. شاید زندگی چیزی به اسم خوشبختی به ما بدهکار نیست. اگر هریک از این اتفاقاتی که برای به دنیا آمدن ما افتاده، نمی‌افتاد، ما در دنیا نبودیم که حالا بخواهیم دنبال خوشبختی بگردیم. نویسنده کتاب می‌گوید حالا که ما زنده‌ایم راه پیدا کرده‌ایم، نباید دست از تلاش برای مواجهه با مشکلات برداریم. بر چنین زندگی که ما پیدا کرده‌ایم نباید توقع داشته باشیم به خوشبختی دست پیدا کنیم چرا که همه عوامل در کنترل ما نیست. او می‌گوید زندگی تلاشی است که هیچ تضمینی برای موفقیت ما در آن وجود ندارد. وجه مشترکی که همه دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف داشتند این است که همه آن‌ها خوشبختی را به نوعی با فضیلت مرتبط می‌کردند. در عین این اشتراک، فضیلت در دوره‌های مختلف معانی و جنبه‌های مختلفی داشته است. وارد دوران مدرن که می‌شویم، ارتباط بین فضیلت و خوشبختی از بین می‌رود و به جای آن بحث «حق» مطرح می‌شود. چیزی که برای جست‌وجو و دستیابی به خوشبختی نیاز داریم، درک همدلانه است. منظور از این درک همدلانه این است که ما نباید فقط از جنبه خودمان به خوشبختی نگاه کنیم. هر آدمی تعریف خودش را از خوشبختی دارد و از طرفی هم نباید راه حل های ساده‌انگارانه‌ای را که برای درک خوشبختی به ما ارائه می‌شود دربست بپذیریم. حتما نظرات اندیشمندان هم نواقصی دارد که اگر ما توجه به کمبودهای زندگی مان آن را درنظر نگیریم به درک درستی از خوشبختی نخواهیم رسید. جنبه دیگر درک همدلانه این است که آیا ما برای اینکه به خوشبختی دست پیدا کنیم، حاضریم هر کاری را انجام دهیم. آیا مجازیم برای به خوشبختی رسیدن همین گوهر دانایی و آگاهی رشد کرده بود، تنها راه «توانستن» را «دانستن» می‌دانست و توانایی را برابر به دانایی. این دانای توسی با یافشاری بر اینکه «تواناتوا هر که دانا بود» چراغ راهی به ایندگان نشان داد که اگر فرار است بر انجام کاری توانا باشید، گریز و گزیری از آن نیست که به قدرت «دانایی» مجهز شوید که بر ترین قدرت هاست و از این روست که «خرد» کلید واژه دنیایی که این اندازه از نگون‌بختی و بدبختی در کنار رفاه و ثروتمندی برای عده‌ای وجود دارد و خوشبختی خودمان را با چه معیاری می‌سنجیم؟ و اینکه قدرت و خوشبختی چه رابطه‌ای با هم دارند؟ در گذشته خوشبختی را توأم با فضیلت می‌دیدند. حتی افراد فرودست که دارای فضائل اخلاقی بودند خودشان را محق خوشبختی می‌دیدند. اما در دوره مدرن این نگاه تغییر کرد. آن فضایل نتوانست جایی در میان مردم باز کند. از همین رو مفهوم و ملاک خوشبختی تغییر کرد تا جایی که زندگی عادی خودش به عنوان یک ارزش مطرح شد. سؤال اصلی که نویسنده به آن پاسخ می‌دهد این است که در جهان کنونی که بشریت شاهد رنج است، چرا از خوشبختی باید حرف بزنیم، چرا درباره رنج صحبت نمی‌کنیم؟ خانم باک در پاسخ به این سؤال می‌گوید در دوران رنج و بحران و معضلات، بشریت به خوشبختی بیشتر فکر می‌کند و درباره آن بیشتر صحبت می‌کند؛ چرا که در آن زمان است که باید به انسان ها امید داد و راهی برای زیستن نشان داد. در گذشته ابزار مقایسه به این گستردگی نبود و افراد فقط اطراف خودشان را می‌دیدند اما امروز، همه نقاط جهان را می‌توانند بررسی کنند و الگوهای بیرونی برای خوشبختی برگزینند. بعضی ها می‌گویند خوشبختی با شادی همراه است. اما بعضی می‌گویند خوشبختی همراه با لذت از زندگی معنی می‌شود.

علی کاظمیان، منتقد نشست: فکر کردن به خوشبختی نوعی سوداست و شاید این تفکر نجات‌بخش ما خواهد بود. در اینجا باید اشاره‌ای بکنم به کتاب همسر خانم سیملا باک، «درک یک آه». کتاب «سیاست شاد کاهی» به نظرم خوب است این ۲ کتاب را با هم ببینیم؛ چون مکمل هم هستند. ۴ پرسش درباره شاد کاهی وجود دارد که کتاب در جست وجوی خوشبختی ۲ پرسش «خوشبختی چیست؟» و «آیا شادکامی و خوشبختی بنیادی‌ترین چیزی است که ما باید به دنبال آن باشیم؟» را پاسخ می‌دهد و کتاب درک یک به ۲ سؤال تکمیلی بعدی پاسخ می‌دهد و آن این است که «چه عواملی باعث می‌شوند کسانی شاد کام‌تر بشوند؟» و «چه عواملی باعث می‌شوند کسانی شور کام‌تر شوند؟» به نظرم باید امروز درباره این ۲ سؤال اخر صحبت می‌شد.

درک یک در کنایش فاکتورهای شاد کامی را بررسی کرده است؛ تأثیر آن در شاد کامی، تأثیر میزان درآمد و ثروتمند بودن در شاد کامی، اینکه زیستن در جوامع دموکراتیک بر شاد کامی چقدر مؤثر است و در نهایت نهادهای سیاسی چقدر بر شاد کامی افراد می‌توانند مؤثر باشند.

دکتر عباس خیرآبادی، عضو بنیاد فردوسی شاخه توس:
این کتاب که شاهنامه می‌نامیمش ۱۰۰۰ سال است که سند هویت و قومیت و ملیت ما در برابر همه جهان انیرانی است و ما همه این سال‌ها در پناه این اثر بی‌نظیر از همه گرداب‌های هایل گذشته‌ایم و برتارک فرهنگ جهان ایستاده‌ایم.

یادداشت

فردوسی، شهروندی مسئول

علیرضا حیدری | بیست و پنجم اسفند، پایان سرایش شاهنامه نیست که آغاز آن است. برای تداوم یک فرهنگ و پیوند تاریخ به بهاری که پیش روی ایران بود؛ سرزمینی که شعرش پرچمدار این فرهنگ و تاریخ است. روزی که حکیم توس قلم بر زمین گذاشت، نفسی به آسودگی کشید که یک تنه دست به معماری بنایی زده بود که روزگاران و باد و باران آن را گزندی نرساند و این نشان از اعتماد به نفسی بود که فردوسی پس از سرایش شاهنامه به آن رسیده بود و می‌دانست کاری کرده است کارستان. چند نکته را باید در سرایش شاهنامه از نظر دور نداشت. یکی اینکه فردوسی درواقع بوده است، به ویژه در روزگارانی که مهاجمان از چهارسوی این خاک آمدند و کشتند و سوختند و بردند. از این روست که نام فردوسی مرادف نام ایران شده است و تمامی اجزایی که کلیت هویت ایرانی را شکل می‌دهند با این نام در پیوندند.

فرهنگ و هویت نیازمند مراقبت و پاسداری است و این مسئولیت اجتماعی او را واداشت تا بیندیشد و راهی برای آن بیابد. نکته دیگر اینکه هوشمندی حکیم توس او را به سمت و سوی انتخاب بهترین گزینه و شیوه برای عملی کردن این احساس مسئولیت کشاند؛ او شعر را انتخاب کرد. مرد دانای پارْ می‌دانست در آن روزگار شعر مهم‌ترین رسانه و تأثیر گذارترین ابزار است و البته این دوربینی و عاقبت نگری را هم داشت که شعر همیشه بر تارک فرهنگی این بوم بر جای دارد و زبانی است ماندگار. و این ۲ ویژگی را در کنار همت و تلاش و پشتکار و بکذاریم که خود به تنهایی، این باز عظیم فرهنگی را به دوش کشید و آن را با همه دشواری و سترگی، آغاز کرد و به سرانجام رساند. او ۳۰ سال از عمر خود را صرف سرودن شاهنامه کرد تا شاهنامه اوست. بی خردان علم شیرین دانایی را نمی‌چشند و از این رو هیچ گاه به مسئولیت اجتماعی و تاریخی خود در قالب شهروند، ظاهر نمی‌شوند و چز پیش چشم خود دورتر را نمی‌بینند. نوزایی مداوم فرهنگ جزء به پشتوانه «دانایی» ممکن نیست و البته در فرهنگ و تاریخ ما کم نبوده‌اند مفاخر و بزرگانی که او را پیشکش کرده‌اند به مردم این سرزمین. فردوسی یک و بزرگی بزرگ دیگر هم داشت که نباید از آن غفلت کرد، او مردی مؤمن و معتقد بود؛ پاکسیرتی و تدین او و اعتقاد راسخ به خداوند و اسلام، از فردوسی یک ایرانی پاک سرشت و اخلاق مند ساخت که در کارنامه برابر دوره اسلامی ایران، از بنیادگذاران تمدنی بود که توانست ۲ هویت ایرانی و اسلامی را به هم پیوند دهد و سپهبی پایه‌ای در تمدن نوین داشته باشد. سرایش شاهنامه، سرایش یک کتاب شعر نیست، سرایش فرهنگ، تاریخ و تمدن است.

موضوع: استقرار سازه موقت در روز ۱۳ فروردین
آگهی فراخوان
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد نسبت به استقرار سازه موقت در روز ۱۳ فروردین در بوستانهای ملت، وفا ، وکیل آباد ، کوهسنگی، خورشید و بهار برای عرضه میوه و آشامیدنیها با اعمال تخفیفات اقدام نماید. لذا متقاضیان واجد شرایط میتوانند درخواست خود را حداکثر ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره بازرگانی سازمان به نشانی بلوار وکیل آباد حد فاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه سوم ارسال نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۱۲۹۸۰۹۰ - ۳۱۲۹۸۰۵۵ تماس حاصل فرمائید.
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

موضوع: آگهی فراخوان استقرار چهار ایستگاه
آگهی فراخوان
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد جهت نشاط افزایی محیط زیست و حمایت از تولیدکنندگان محصولات خانگی و صنایع دستی نسبت به استقرار چهار ایستگاه در مکانهای بلوار پیروزی بوستان وفا، حاشیه غربی پارک ملت، انتهای سی متری طلاب جنب بازار فردوسی، احمد آباد ابتدای شیرین از مورخه ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ لغایت ۱۳۹۸/۰۱/۱۳ اقدام نماید. لذا از متقاضیان برای عرضه محصولات مشاغل خانگی و همچنین ماهی ، سبزه و گل دعوت میگردد جهت دریافت جایگاه به اداره بازرگانی سازمان به نشانی بلوار وکیل آباد حد فاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه سوم مراجعه نمایند.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۱۲۹۸۰۹۰-۳۱۲۹۸۰۵۵ تماس حاصل فرمائید.
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

به رنگ مردم

پویش رنگ‌ها در ۱۳ منطقه فرصتی برای مشهدی ها فراهم کرده است تا در زیبا سازی شهرشان شریک شوند

گفت‌وگو

نگار ارداد| جشنواره استقبال از بهار که با مدیریت شهری جدید از سال گذشته با عنوان خانه بهار برگزار می‌شود، امسال با پررنگ شدن مشارکت مردم، فضای تازه‌ای در شهر ایجاد کرده است.

امسال قرار است علاوه‌بر دیوارنگاری‌هایی از هنرمندان حرفه‌ای، مردم نیز در مناطق مختلف شهر نقش‌هایی در محلات خود به یادگار بگذارند.

«پویش رنگ‌ها» که این روزها توجه مردم را برانگیخته است، برای اولین‌بار است که به همت شهرداری در ۱۳ منطقه مشهد برگزار می‌شود. با این طرح، ۳۱هزار مترمربع از دیوارهای کوچه‌های فرعی و مرکز محلات شهر با مشارکت مردم نوتوار می‌شود تا علاوه‌بر زیباتر شدن شهر، تعامل و نشاط در آن جریان پیدا کند.

● **برگزاری فصلی پویش رنگ‌ها**

به گفته رضا دانایی‌سیج، مدیر اجتماعی و امور مناطق معاونت فرهنگی شهرداری مشهد، مردم ۷۱هزار مترمربع فضا را برای پویش رنگ‌ها پیشنهاد داده بودند اما درنهایت ۳۱هزار مترمربع به این رویداد اختصاص داده شد: «ما در بهمن فراخوان را منتشر و از مردم دعوت کردیم تا دیوارهای مناسب رنگ‌آمیزی و طرح‌های آینده، فضا و متراژ بیشتری به پویش رنگ‌ها اختصاص داده و در هفته اول اسفند بررسی شد.

به این ترتیب با انتخاب طرح‌ها و دیوارهای منتخب، مردم از هفته دوم اسفند، کارشان را آغاز کردند.»

دانایی با اشاره به چشمگیر بودن استقبال از طرح پویش رنگ‌ها، خبر از افزایش فضای درنظر گرفته‌شده برای این رویداد می‌دهد: «باتوجه به اینکه نمی‌توانیم استقبال مردم را بدون پاسخ بگذاریم، فضاها را افزایش می‌دهیم. همچنین تصمیم گرفتیم این طرح را به‌صورت فصلی تکرار کنیم.»

به گفته او، در سال و فصل آینده، فضا و متراژ بیشتری به پویش رنگ‌ها اختصاص داده خواهد شد.

● **توجه به کیفیت درکنار مشارکت**

مدیر اجتماعی و امور مناطق معاونت فرهنگی شهرداری مشهد معتقد است شهرداری بسترها را برای مشارکت مردم فراهم کرده است: «علاوه‌بر طرح‌هایی که خود مردم پیشنهاد دادند، طرح‌هایی را هم اداره امور هنری سازمان فرهنگی برای این رویداد درنظر گرفته است. همچنین در این زمینه ما از کارشناسان کمک گرفتیم تا بستر و زمینه را فراهم کنند و بعد از آن رنگ‌آمیزی را به مردم سپردیم.»

او می‌گوید: در طرح پویش رنگ‌ها مشارکت مردم بیشترین اهمیت را داشته، با این حال برای کارها استانداردهای حداقلی درنظر گرفته شده است تا دیوارها برای رهگذران نیز جذابیت بصری داشته باشد.

● **طرحی ترکیبی و تعاملی**

به گفته دانایی، علاوه‌بر پویش رنگ‌ها، مردم در فعالیت دیگری به نام «پویش مردمی بهار» در ۱۶ محله شهر همکاری خواهند کرد: «این طرح پارسال در محله شهرک شهریانی و یکی از محلات قاسم‌آباد اجرا شد. امسال همین رویداد را در ۱۶ محله که بیشترشان در منطقه ۸ به‌دلیل زائرپذیر بودن آن واقع شده‌اند، گسترش دادیم.» این طرح در اواخر دی با انتخاب محلات و نظرخواهی از مردم آغاز شده است. براساس این نظرخواهی، طرح‌ها انتخاب و اولویت‌بندی شده‌اند. طرح‌هایی ترکیبی و تعاملی شامل رنگ‌آمیزی، تغییرات فیزیکی و فضای سبز. این کار ترکیبی که برای زیباسازی محیط زندگی از اسفند شروع شده است، تا پایان فروردین ۹۸ ادامه خواهد داشت.

به گفته مدیر اجتماعی و امور مناطق معاونت فرهنگی شهرداری مشهد، اجرای این طرح‌ها نیز برعهده مردم است، مگر کارهای تخصصی که در این صورت اجرای آن به پیمانکار واگذار شده است.

● **فضایی به‌منظور بازیابی هویتی برای کودکان و نوجوانان**

جمعیت مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان‌ونوجوانان خراسان در این نشست خبری از ضرورت بازیابی هویت دینی، انقلابی و ملی کودک و نوجوان امروز سخن گفت.

ادیبا و هنرمندانی که در این شهر سرامد هستند، از فردوسی و عطار تا شخصیت‌های دوران معاصر، جایگاهی برحق است و جای آن است که این حرکت‌های نخجگانی هم از مشهد و خراسان آغاز شود.

به گفته رئیس شورای سیاست‌گذاری اولین «جشنواره ملی نمایشنامه‌نویسی اقتباسی گام دوم»، یکی از اقدامات که در دنیا متداول است، اقتباس از آثار ادبی فاخری است که در گذشته تولید می‌شود و یکی از قوت‌های دوره پس از انقلاب، آن است که در حوزه ادبیات کارهای کم‌نظیر مثل رمان‌های مختلف و کتاب‌هایی از نویسندگان سرآمد، نگارش شده است.

گزارش

تئاتر، زبان گویای جامعه

پوستر اولین جشنواره ملی «نمایشنامه‌نویسی اقتباسی گام دوم» رونمایی شد

امیری | رونمایی از پوستر «اولین جشنواره ملی نمایشنامه‌نویسی اقتباسی گام دوم»، موضوع نشست خبری‌ای بود که ۲۳ اسفند در اداره کل ارشاد خراسان رضوی برگزار شد تا نهضتی برای ساماندهی به اقتباس‌ها باشد. این جشنواره که دبیرخانه آن پس از تعطیلات نوروز و اواخر فروردین راه‌اندازی می‌شود، در دو مرحله برگزار خواهد شد. مرحله اول شامل ارسال طرح و ایده است و نویسندگان باید ابتدا طرح‌های خود را به دبیرخانه بفرستند. این طرح‌ها را داوران بازخوانی می‌کنند. بعد از آنکه هیئت داوران دیدگاه‌های خود را پنجم خرداد ۹۸ اعلام کردند، برگزیدگان تا اول مرداد ۹۸ مهلت دارند اثر نهایی خود را بفرستند. همچنین در بخش نمایش خیابانی، پس از تایید طرح‌ها، گام بعدی تولید است و هزینه‌ای نیز بابت تولید آن نمایش صرف خواهد شد.

● **کمبود دش، ضعف فضای تئاتر**

در ابتدای نشست خبری این جشنواره، مدیرکل ارشاد خراسان رضوی از کمبود متن‌های ایرانی‌اسلامی به عنوان ضعف فضای تئاتر و نمایشنامه‌ها یاد کرد. او با بیان اینکه مشهد یکی از قطب‌های اصلی تئاتر کشور است، گفت: اکنون ما با هویت انقلاب اسلامی را تشکیل داده‌اند و در فراخوان این جشنواره، نظام مفهومی قرار داده که ضرورت زمانه ماست؛ به این دلیل که تئاتر و نمایش، زبان گویای یک جامعه است.

● **اقتباس، امری مرسوم در جهان است**

«اقتباس از متون ادبی در حوزه نمایش، یک امر مرسوم در جهان است.» محمدعلی جمع‌گیر، مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌های هنری آسمان قدس رضوی، با بیان این مطلب گفت: جایگاه مشهد، هویت انقلاب اسلامی را تشکیل داده‌اند و در فراخوان این جشنواره، نظام مفهومی قرار داده که ضرورت زمانه ماست؛ به این دلیل که تئاتر و نمایش، زبان گویای یک جامعه است.

● **اقتباس‌ها باید با انتخاب مناسب**

به گفته مدیر اجتماعی جشنواره، اقتباس‌ها باید با انتخاب مناسب و با شناخت مخاطب اثر اقتباس شوند: «اگر ما بخواهیم با یک اثر کلاسیک برای برای نوشتن این کتاب ۲ سال زمان صرف کرده‌ام، در این زمان ۴ پرسش درباره شاد کامی وجود دارد که کتاب در جست وجوی خوشبختی ۲ پرسش «خوشبختی چیست؟» و «آیا شادکامی و خوشبختی بنیادی‌ترین چیزی است که ما باید به دنبال آن باشیم؟» را پاسخ می‌دهد و کتاب درک یک به ۲ سؤال تکمیلی بعدی پاسخ می‌دهد و آن این است که «چه عواملی باعث می‌شوند کسانی شاد کام‌تر بشوند؟» و «چه عواملی باعث می‌شوند کسانی شور کام‌تر شوند؟» به نظرم باید امروز درباره این ۲ سؤال اخر صحبت می‌شد.

درک یک در کنایش فاکتورهای شاد کامی را بررسی کرده است؛ تأثیر آن در شاد کامی، تأثیر میزان درآمد و ثروتمند بودن در شاد کامی، اینکه زیستن در جوامع دموکراتیک بر شاد کامی چقدر مؤثر است و در نهایت نهادهای سیاسی چقدر بر شاد کامی افراد می‌توانند مؤثر باشند.

● **پیوند محورهای جشنواره با فرهنگ شهروندی**

صدرا یوسفی، سرپرست اداره امور هنری سازمان فرهنگی شهرداری مشهد، نیز از ارتباط مجموعه خانه هنرمندان، مدیریت امور هنری و شهرداری مشهد با برگزاری جشنواره گام دوم، سخن گفت.

به گفته او، در همین لحظه احتمالا در یکی از تقاطع‌های شهر، نمایشی با موضوع «اصلاح فرهنگ ترافیک» یا «ارتقای فرهنگ شهروندی، همسایه‌مداری، مدارا و دوستی محبت» اجرا می‌شود که به حوزه فرهنگ شهروندی مربوط است و می‌تواند برپایه یک برنامه‌ریزی علمی و دقیق و مبتنی‌بر آثار نوشتاری‌ای باشد که مراحل مختلف را طی کرده‌اند و مردم انتخابشان کرده‌اند.

داریوش فرهنگ، نویسنده و کارگردان:
**متاسفم که به دلیل بکویم به دلیل پی